



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

لطفی از الله

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
ابو ایوب انصاری. مدد.
طریقنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

طریق ما ایستاده با صحبت. و خیر در انجمن است. این یک انجمن مردم خوب است. از آغاز، انجمن مردم بد خیر نیست. شکر به الله، در هر جای که میرویم، در تجمعات مان دنبال مردم خوب هستیم و سعی می کنیم با مردم خوب بمانیم. کمی سفر رفتیم. به طور معمول اینجا (ایوب سلطان درگاه) هر دو هفته می آیم، اما تقریباً دو ماه، از آخرین بار، که آمدیم گذشته بود. به هر حال، این مکان ها نزدیک هستند و دوباره خودمان را پیدا می کنیم. اگر در اینجا نه باشد، در درگاه های دیگر خودمان را پیدا می کنیم. آنچه مهم است، که قالب ها باهم باشند.

مولانا شیخ این دانه ها را در سراسر دنیا کاشته بود. هر جای که می رویم، همه آنها در یک قلب هستند، و همچنان همان عشق ادامه می دهد. این به اندازه کافی به عنوان یک کرامت از مولانا است. برادران و خواهران (اخوان) یک نفر را پیروی کنند بدون اینکه جماعت از بین برود نیز یک کرامت مولانا شیخ است و یک لطف برای اخوان. کرامت ها با حضرت ها (اولیاء) خیلی زیادی هستند، اما آنها این ها را نشان نمی دهند. آنها کرامت را دوست ندارند، اما الله برای بندگان خودش می دهد و حتی اگر آنها این را نمی خواهند.

یک اولیاء در بیابان راه میرفت. تشنه شد و به یک چاه رفت. آب خیلی پایین بود، و خداوند (جلاله) آب را بالا آورد تا آنجای که به دست والی میرسید، به عنوان یک لطف. حضرت گفت: "ای الله من، این یک لطف است، اما شاد تر می شدم اگر عرب های صحرا (اعرابی) به من آب می دادند در هم زمانی که آنها من را می زدن." آنها، اولیاء، کرامت ها را دوست ندارند، اما الله (جل جلاله) هنوز به این حال به آنها لطف های می دهد.

به حضرت ابوالحسن آل شاذلی، شیخ طریقت شاذلی گفت: "برخی از موردی هایت پرواز می کنند، برخی از آنها روی آب راه میروند." او جواب داد: "پرندگان نیز پرواز می کنند، ماهیان نیز در آب بدون این شنا میکنند." سپس به او پرسیدن، "کرامت شما چیست؟ اگر مرید هایت این را انجام می دهند، خدا می داند چه کرامت های به شما نشان دهد!" او جواب داد، "که زمین زیر من تقسیم نشود و من را نه قورت (نه خورد)، این بزرگترین کرامت برای یک مرد مثل خودم است."



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

اولیاء این طوری هستند. این موضوع ها برای شان جالب نیست (برای شان مربوط نیست). با این حال، الله عز و جل هر جای که میروند بهشان لطف های می دهد. همه چیز ها قبل از که به یک جای بروند برای مردم های درجه های بالا، در این دنیا، آماده هستند. کجا آنها میروند، جا های که آنها می ایستند، و چه کار های انجام می دهند برنامه ریزی شده است، و جاده های که آنها سفر خواهد کرد پاک می شوند. آنها در همه فرودگاه های و یا جاهای دیگر که می روند، رد می شوند بدون این که منتظر بشوند. در همان شیوه ای، مردم و بندگان برای آن حضرت ها، الله عز و جل اختصاص می کند. همه چیز برای آنها آسان ساخته شده است. چونکه آنها فقط برای الله هستند. آنها وجود دارند برای دادن آنچه که الله می گوید. آنها وجود دارند برای نشان دادن آنچه الله می گوید. این برای آنها مهم نیست، که آیا آنها رنج می برند و یا خوشحال هستند. این برای آنها مهم نیست.

استاد ما حضرت عمر گفت، "مشکلات (سختی های) بلا ها را تحمل کردیم، اما نتوانستیم مشکلات های بهروزی را تحمل کنیم." بنابراین برا آنها سختی ها آسان تر هستند. آنها راحتی را دوست ندارند. آنها نمی خواهند به طور مداوم در دنیا راحت باشند و به تنها لذت ببرند. آنها سعی می کنند حتی یک دقیقه را از دست ندهند. هدف آنها این است.

همچنین می توانید حضرت ها را گاهی اوقات ببینید که بین هم خودشان را مقایسه می کنند. حضرت ذوالنون مصری به یک مرید حضرت بایزید بسطامی گفت، "شیخ تان چه کار دار انجام می دهد؟ شیخ تان دار می خوابد در حالی که کاروان دار می رود. چگونه این ممکن است؟ سلام به شیخ برسان. میتوانید؟ و او پیام را فرستد. گاهی اوقات شیوخ و اولیاء چیز های به یکدیگر برای آموزش مردم می گویند. بنابراین بایزید جواب داد: "به حضرت سلام برسان. استعداد در رسیدن به مرحله (منزل) قبل از کاروان است، در حالی که خواب هستی." در حالی که آنها را میروند و درد و رنج می برند، او مثل اینکه خواب است اما به درجه زودتر از آنها میرسد. آنها فکر می کنند او خواب است، اما او جلوتر از آنها است آنجا که می خوابد.

جا های وجود دارد که مولانا شیخ سال پیش رفته بود. ۲۰ سال گذاشته که به بعضی جا ها نرفته، و به بعضی مکان ها در حدود ۱۵ نرفته بود. شکر به الله رفتیم و همه آنها یکسان هستند، هیچ چیزی تغییر نه کرده است. ممکن است فکر کنید آنجا هیچ شیخ وجود ندارد، که آنجا هیچ کی نیست. همه آنها هستند، شکر به الله، خیلی خوب پیشرفت می کنند در راهی که مولانا شیخ نشان داده بود با دستور های مولانا شیخ. به بعضی از مکان ها رفتیم، مکان های که هرگز فکر نمی کردی، فکر نمی کردی هیچ کی آنجا باشد. ماشاءالله، جماعت های خیلی خوبی درست شده اند. بنابراین این نیز یک وضع (خواست) مولانا شیخ (تصرف) است. او نیز می گفتند، اولیاء هفت بار قوی تر هستند زمانی که به دنیا دیگر می روند. این حق است. این را با چشم های خودمان دیدیم. نیز همه دارند این را می بینند.

افرادی که نفس خود را پیروی نکردن، می خواستم راه مولانا شیخ را ادامه بدهند، قول دادن (بیعت)، و گفتند که آنها قول خود را نگه داشته اند. البته، برخی وجود دارند که نفس خود را پیروی می کنند، همانطور که همه یک فرشته نیستند. مولانا شیخ آنها را هم ترک نمی کند. هنگامی که این قول را



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

انجام می دهید، آن بیعت را، یعنی که شیخ تا زمانی که میمیرید تو را ترک نمی کند. او کناره تو تا آخرین نفس باقی میماند، تا زمانی که به دست عزرائیل میروید، به طوری که با ایمان از این دنیا بروید.

هنگامی که یک بار آمدی، حتی اگر قول (بیعت) بلافاصله ترک کنید، و یا ممکن ۱۰ سال بعد برگردید، و یا ۲۰ سال بعد؛ حتی اگر آن را هر زمان که می خواهید ترک کردید، می گوید نظرت عوض شد، و می گوید که میاید عقب از این قول که دادید، از حالا به بعد واصل هستید (رابط دارید). برای آنها مهم نیست، هیچ چیزی مهم نیست. آنچه برای آنها مهم هست، که قول خودشان را نگه دارند. آنها قول خودشان را نگه می دارند، اما افرادی که قول خود را نگه نمی دارند بعدا خجالت می کشند. چونکه آنها سعادت قول می دهند. هنگامی که بیعت میگیرید، آنها می گویند که تو را ترک نمی کنند. او این آیه را می خواند: "هر کسی که از این قول عقب بیاید، نفس خود را پیروی کرده و به نفس خودش آسیب میرساند. و کسی که نفس خود را پیروی می کند در ضرر است. اما آنها آن نفر را حتی در آخر نجات می دهند، اما البته او آن درجه ها را به دست نمی آورد. همه چیز یک پاداش دارد، یک عمل خوب. مثل تفاوت بین یک مرد که پنج بار در روز نماز می خواند و کسی که نماز نمی خواند. این یکی یک مسلمان است، و آن یکی هم یک مسلمان است.

الله (جل جلاله) می گوید: "هر کسی که نماز نمی خواند، مجبور می شود ۸۰ سال نماز در آخرت برای هر دوره بخواند." برای هر دوره! بعد از همه فکر می کنید زندگی فرد ۸۰ سال است. برای چه ۸-۱۰ سال راحت نماز نمی خوانید، یا برادر؟ نماز بخواند. یعنی، اسلاً سخت نیست. آنچه سخت است، حيله شیطان است. او فریبت می دهد و نمی گذارد نماز بخوانید، روزه انجام بدهید، زکات بدهید (فرض). حتی کسی که روزه می گیرد و نماز می خواند فکر می کند چگونه میتواند زکات را ندهد. اگر در مورد حج صحبت کنید... آنها به هر حال، در حال حاضر، بهتان اجازه نمی دهند که حج بروید. آن را از طریق قرعه کشی است. فقط شهادتین (کلمة الشهادة: "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ") در پایان باقی می ماند. انجام شده است زمانی که آن را نیز می گوید.

راهی که نشان داده اند آن مردان شیطان، راهی نیست. برعکس از آنچه نشان می دهند است. از اول، آزاد هستید و هر چه بخواهید میتوانید انجام بدهید. آن آزادی یک دروغ است. منظور شان با آن آزادی است که می توانید آنچه شیطان دستور می دهد پیروی کنید، و آزاد نیستی برای دستور های دیگر انجام دادن. کار های خوب انجام ندهید، نماز نخوانید، و هیچ کاری انجام ندهید. نوشیدن الکل، زنا، دزدی، و هر چی بخواهید. از نظر آنها، آزادی این است. این طوری نیست. چنین آزادی وجود ندارد. اگر نفس خود را آزاد بگذارید، از یک بدی به یک بدی دیگر در کال زندگی تو را می برد. بدبخت می شوید نیز در این دنیا و در آخرت.

راه که شیوخ ها نشان می دهند، راه الله و راه حضرت پیامبر مان (ﷺ) است. این راه زیبا است. کسانی که آن را پیروی می کنند هرگز در از دست دادن نیستند. همانطور که گفتیم، فرد حتی درد از دنیا را احساس نمی کند. حضرت ها حتی بیشتر درد و رنج می خواهند ببرند براینکه نفس شان خسته



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

تر بشود به طوری که بر روی آنها سوار بشویم. بدون هیچ اعتراض. آنها حتی کوچکترین ضجه و زاری نمی کنند. آنها همیشه یک نمونه برای مردم هستند.

مردم برای خیلی سال ها خودشان را از این حضرت دور بیشتر و بیشتر نگه داشته اند. مردم راهی که آنها از طریق تمرین با دستور العمل های که نشان داده بوده اند را فراموش کرده بودن. برعکس این همیشه وجود داشت. آزاد هستید، خودت انتخاب می کنی، و تو میتوانی انتخاب بشوی: همه این ها دروغ هستند. به آنها توجه نکنید. آنچه که الله داده است و راه الله را پیروی کن، و خودت را راضی کن. باشد که همیشه سر مان مردم های خوب باشند. براین شکر کنیم. همه رنج برده ایم، خوب ها و بد ها، اما خدا را شکر خوب ها آمده اند. آنها مردم با ایمان هستند. از حال به بعد زمان آنها است، و انشاء الله کسانی دیگری نمی آیند. چونکه شیطان همیشه تلاش می کند زمان های سخت تر بیایند.

الله عز و جل به شیطان تا روز قیامت وقت داد: "میتوانید هر چه قدر مردان بخواهید جمع کنید، و بقیه را من می بخشم اگر آنها طلب بخشش کنند. کسانی که توبه نکنند به جهنم می روند. دیگران، حتی اگر آنها تا آنجا که بخواهند مرتکب گناهان بشوند، همه را می بخشم پس از که توبه کنند و ببخشند خواهش کنند." الله آمرزنده است. الله رحمان است. هیچ کس از انسان ها رحمت الله را ندارد. امید از رحمت الله را قطع نکنید. هر آنچه انجام بدهید پس از گفتن "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدًا وَرَسُولُهُ" هنوز به بهشت می روید.

(دحیة الکلبی) در زمان حضرت پیامبر مان (ﷺ) زندگی می کرد. حضرت پیامبر مان (ﷺ) برای این اصحاب (صحابی) می خواست که مسلمان بشود. دعا او از حضرت پیامبر مان (ﷺ) آمد. ۷۰۰ مردان مسلمان می شدند اگر او مسلمان می شد. او رهبر یک قبیله بزرگ بود. الله (ﷻ) دعا او را قبول کرد. به او گفتند که دحیة الکلبی داشت می آمد. حضرت پیامبر مان (ﷺ) خوشحال بود. اصحاب (صحابه) آنقدر خوشحال نبودن چونکه او فرد بود که بسیاری شر در گذشته انجام داده بود. اما حضرت پیامبر مان (ﷺ) نمی خواست که اصحاب هیچ چیزی منفی بگویند یا اعمال های در شیوه های تهاجمی انجام بدهند هنگامی که او بی آید.

حضرت پیامبر مان (ﷺ) هنگامی که او ورد شد، او را بلافاصله استقبال کرد. او لباس مقدس که پوشیده بود (جبه) گذاشت روی زمین و از او خواهش کرد که آنجا بشیند. آن حضرت جبه را از زمین بلند کرد، روی سرش گذاشت، و آن را بوسید. او گفت، "نه، نمی توانم توی آن بشینم. اگر بخواهید میتوانی سر من را همین اینجا ببارید، می توانید من را بزنید، و یا می توانید من را لعنت کنید. من سزاوار آن هستم (حق من است). حضرت پیامبر مان (ﷺ) پرسید، "چرا این ها می گویند؟" او جواب داد، "هنگامی که پادشاه پوادم، ۷۰ از دختران خودم با دست های خودم کشتم. نمی خواستم هیچ کسی (ناپسری) من باشد بخاطر تکبر خودم و دختران خودم را کاشتم. آیا این قابل بخشش است؟" سپس حضرت پیامبر مان (ﷺ) نگاه کرد و وحی به او آمد. در وحی، الله عز و جل می گوید، "من این ۶۰ سال های بی ایمان، این ۶۰ سال ظلم و ستم را می بخشم با ایک " لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا وَرَسُولُهُ". این ۷۰ سال ها رم نیز مو بخشم.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

الله بخشید چون آن قبل از مسلمان بودن بود. هر آنچه انجام می دهید قبل از مسلمان شدن...، آن مثل این است که از مادر خود را به دنیا می آید هنگامی که "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" می گوید. ۶۰ سال زندگی بد، ۷۰ نفر کشتی، اما قبل از مسلمان شدن اتفاق افتاد. چند تا "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدًا وَرَسُولُهُ" در کال روز می گوئیم، الله ما را نمی بخشد؟

الله (ﷻ) چنین بشارت خوبی داد به طور کهنه ترسیم. اجازه دهید همه مردم شاد بشوند چون این یک بشارت بزرگ خوب است. هنگامی که آنقدر از آنچه انجام دادی بخشیده می شود، گناهان مان، اشتباهات مان بخشیده می شوند. به همین دلیل است که این یک بشارت خوب است. که همه توبه و طلب بخشش کنند. ما از آغاز هر روز توبه و طلب بخشش دوباره می خواهیم. هر چه گناهان وجود دارد، الله نیز آنها را با اعمال های خوب تغییر می دهد. باشد که خداوند راضی باشد.

و من الله التوفيق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۱۴ جمادی الأول ۱۴۳۶، درگاه اکبابا، فجر